

اتهام خشونت طلب به یاران امام از سوی بنی صدر

۱ تیر ۱۳۹۷ ساعت ۲۲:۲۷

یکی از راهکارهایی که بنی صدر و دوستانش برای تسخیر کامل انقلاب اندیشیده بودند و از آن طریق سعی می کردند رقبای خود را از صحنه خارج کرده و کاملاً منزوی کنند طرح شعار خشونت و چماق بود

طیف بنی صدر همواره تلاش می کرد تا جریان مقابل یعنی حزب الله و مدافعان ارزش ها و دین را افرادی ماجراجو، خشونت طلب، افراطی، چماق دار، بی منطق و طرفدار استبداد معرفی کند و در مقابل خود را اهل منطق، گفتگو، گفتمان و طرفدار آزادی بیان و عقیده!

این گروه با در اختیار داشتن بیش از ۵۰ روزنامه و هفته نامه سعی در تحریک افکار عمومی علیه جریان فکری طرفدار اسلام و ارزش ها داشت بنی صدر با همراهی احزاب جبهه ملی و نهضت آزادی و گروه های چپ و توده ای، مدافعان اسلام ناب را هدف قرار می داد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی ورزید.

وی در حالی که در هر سخنرانی این مطلب را تکرار می کرد و طرفداران نظام اسلامی را به باد تمسخر می گرفت می گفت: " هر حرفی که می زنیم تو یک چماقی برداری و بکوبی بر سر طرف که خط تو فلان! آخر در کجای مکتب ما چنین چیزهایی هست؟ ... قرآن می گوید تا رسیدی با چماق توی کله طرف بزن و بگو مرحمت زیاد؟! اینهاست که ما را ضعیف و زبون می کند و به تدریج فکر کردن ترس ایجاد می کند و این ترس بیشتر از ترس چماق های ساواک است و نتیجه این می شود که جوان های ما دنبال عمل و دانش و تفکر نمی روند."

روزنامه انقلاب اسلامی، ۲ آذر ۵۹، ص ۹

بنی صدر و همفکرانش سعی می کردند با دروغ و تهمت طرفداران نظام را چماق دارانی معرفی کنند که حتی از شکستن و ویران کردن مساجد هم ابایی ندارند، به این خبر توجه کنید: " به دعوت دفتر هماهنگی همکاری های مردم با رئیس جمهور استاد شیخ علی تهرانی به مسجد ارگ دعوت شده بودند تا در مورد مسائل جاری کشور سخنرانی نمایند ... بعد از مدتی از زمان سخنرانی عده ای که از قبل برای به هم زدن سخنرانی مهیا شده بودند ناگهان حمله و هتاکی به استاد علی تهرانی نمودند.

گروه اندک چماق دار چندین نفر را مضروب کرده و شیشه های مسجد را شکستند و در پی درگیری و ایجاد آشوب بودند، این عده که از ۲۰ نفر تجاوز نمی کرد با شعارهایی از قبل مرگ بر منافقین، درود بر بهشتی یاور مستضعفان سعی در داخل شدن به مسجد را داشتند."

روزنامه انقلاب اسلامی ، ۱۵ اسفند ، ۵۹

پس از آن بنی صدر در سر مقاله روزنامه انقلاب اسلامی با عنوان چماق داری محکوم است در صدد برآمد که شهید بهشتی و حزب جمهوری اسلامی را عامل اغتشاشات معرفی کند، وی نوشت: " دو سال ارشاد و هدایت و بالاخره ارشاد و اخطار نتوانست جلوی چماق داری را بگیرد، نتوانست چماق داران را متقاعد کند که کشور با چماق قابل اداره نیست، نتوانست چماق داران را مجاب کند که راه برخورد درست با مخالفت بحث آزاد است و نه چماق و بدتر از همه نتوانست آنها را که مقامات مسئول هستند و موظف به حفظ نظم و امنیت قضایی مردم ، وادار به انجام وظیفه به طور قاطع و عاجل نماید.

در این دو سال چماق داران در اینجا و آنجا کشور آزادی و امنیت مردم و آبرو و حیثیت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ما را به بازی گرفتند و آنها که مقامات مسئولند و وظیفه شان جلوگیری از همین اعمال خیلی که لطف می کردند به صرف یک محکوم می کنیم ولی از کنار مسئله به سادگی می گذشتند و اجتماعات و سخنرانی ها و حتی مساجد خدا از حمله و فتنه اینها در امان نماند.

اما چرا ارشاد و هدایت و هشدار و اخطار کارگر نیفتاد و چماق داران آزادانه آنچه می خواستند می کردند؟ علت بیشتر در عدم برخورد قاطع مسئولین با اینان و در حمایت های مستقیم و غیر مستقیم از ایشان بوده است."

روزنامه انقلاب اسلامی ، ۱۷ اسفند ، ۵۹

مهندس بازرگان نیز به کمک بنی صدر آمد و با عبارت " مکتبی ها هم با همه تندی و تلخی و بد خلقی که دارند از ما هستند، " (روزنامه میزان ، ۱۰ اردیبهشت ۶۰) سعی می کرد مصداق چماق داران را روشن تر کند و سپس دکتر ابراهیم یزدی با این ادعا که " امروز همه طرفداران استبداد سیاه خود را در زیر شعار مقدس حزب الله مخفی کرده اند، " (روزنامه میزان ، ۱۳ خرداد ۶۰)

چنین وانمود کرد که جریان حزب الله و مردمی که به عشق دین و مکتب سر از پا نمی شناسند طرفداران استبداد سیاه هستند! همین اتهام را محمد رضا پهلوی قبلاً به جریان مذهبی کشور وارد می کرد و آنها را طرفداران ارتجاع سیاه می خواند!

بنی صدر در نطق ۱۴ اسفند ۵۹ با مظلوم‌نمایی بسیار گفت: "ترجیح می‌دهم امروز به دست تبهکار چماق‌داران کشته بشوم، بلکه رسم چماق‌داری در این کشور از بین برود."

روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۶ اسفند ۵۹، تیر اول

شعارهایی که در مراسم ۱۴ اسفند در حضور بنی صدر سر داده می‌شد عمدتاً متوجه قشر متدین جامعه و حزب جمهوری اسلامی و یاران حقیقی حضرت امام مانند شهید بهشتی بود.

در اینجا قسمتی از گزارش کیهان را که با عنوان در حاشیه سخنرانی رئیس‌جمهور در دانشگاه تهران آمده است مروی می‌کنیم: بعد از ظهر پنج‌شنبه گذشته دکتر بنی صدر به مناسبت سالگرد درگذشت دکتر مصدق برای گروه‌های مختلف که در زمین چمن دانشگاه تهران گره آمده بودند سخنرانی می‌کرد، شرکت‌کنندگان در این مراسم در زمین چمن و در قسمتی از خیابان ضلع جنوبی و شرقی زمین چمن جمع شده بودند و جایگاه سخنرانی نیز در مقابل جایگاه خطبه‌های نماز جمعه بر روی بالکن ساختمان واقع در شمال زمین چمن در نظر گرفته شده بود.

اکثر شرکت‌کنندگان که در زمین چمن خصوصاً در جلو و شرق زمین نشسته بودند را دختران و پسران محصل بین‌سنین ۱۴ تا ۱۸ سال تشکیل می‌دادند و نظمی که در شعارها، نشستن، حرکات و تهاجم از خود نشان می‌دادند نشان‌دهنده یک نظم و تشکیلات از قبل سازمان داده شده بود و به نظر می‌آمد که غالب آنان از اعضا و میلیشیای سازمان مجاهدین خلق باشند.

در وسط زمین حدود ۴۰۰ نفر دختر با روپوش‌های غالباً به رنگ سورمه‌ای به طور منظم نشسته و پلاکاردهایی با عناوین زیر در دست داشتند: "چوب، چماق، شکنجه دیگر اثر ندارد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مسلمان به پاخیز، حزب شده رستاخیز، صدا و سیمای ما از انحصار حزبی آزاد باید گردد و چند پلاکارد با عناوین درود بر مصدق و سلام بر آزادی."

در خارج از دانشگاه و خیابان‌های جنوبی و شرقی زمین گروه مخالف در دسته‌هایی چند در حالی که پلاکاردها و عکس‌هایی متعدد از دکتر مصدق در حین تعظیم و بوسیدن دست شاه معدوم و همسرش ثریا و صباغیان در حین فشردن دست و تعظیم در برابر هویدای معدوم، را در دست داشتند شعارهایی با این عناوین می‌دادند: "جمهوری اسلامی راه مصدق‌نمیره، پینوشه پینوشه ایران شیلی نمی‌شه، گوینده توده‌ای ولایت فقیه است، ضد ملی‌گرایی ولایت فقیه است، اینها بودند می‌گفتند بختیار سنگرت را نگه دار، مگر بر لیبرال."

عنوان تعدادی از پلاکاردهایی که مخالفین در دست داشتند جملاتی از بیانات امام و به شرح زیر بود: ما چقدر از ملی‌گراها سیلی

خورد ایم ، افراد ملی گرا به درد ما نمی خورند.

چند دختر چادر مشکی نیز در میان زمین چمن پلاکاردهایی از سخنان امام بر ضد ملی گرایی و عکس‌هایی از امام در دست داشتند که مورد یورش جوانی در بین جمعیت واقع شده و جوان مذکور پلاکاردها و عکس امام را پاره پاره کرد و به هوا پرتاب کرد، در این هنگام جمعیت با کف زدن از جوان مذکور تشویق به عمل آوردند.

قبل از شروع سخنرانی دکتر بنی صدر یکی از سخنرانی‌های دکتر مصدق پخش شد که مرتب با شعارهای " چوب ، چماق ، شکنجه دیگر اثر ندارد ، حزب چماق به دستان در پیشگاه ملت افشا باید گردد ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد " با کف زدن و سوت های ممتد ابراز احساسات به عمل می آمد .

در ساعت ۴۰/۳ دقیقه بعد از ظهر دکتر بنی صدر در میان کف و سوت های حضار به جلوی جایگاه آمد و برای ابراز احساساتی که می شد دست تکان می داد، دختران و پسرانی که در جلو جایگاه بودند به صورت کاملاً منظم شعارهای زیر را می دادند: " حزب چماق به دستان افشا باید گردد ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد ."

بنی صدر سپس پشت میکروفون قرار گرفت و شروع به سخنرانی کرد ، در خیابان های ضلع جنوبی و شرقی زمین چمن همچنان شعارهایی موافق و مخالف سر داده می شد و عده ای هم به بحث با یکدیگر مشغول بودند.

چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به اسامی دکتر کاظم سامی ، تقوی ، معین فر ، صباغیان ، دکتر سحابی و همچنین شمس آل احمد منصور فرهنگ ، سعید سنجابی ، علیرضا نوبری نیز در جایگاه حضور داشتند.

در حین سخنرانی چند بار از جانب گروهی که به نظر می رسید میلشیا باشند گفته شد : بنی صدر ، بنی صدر بلندگو را قطع کردند ، در این هنگام بنی صدر به مخالفان اخطار کرد که اگر مأموران انتظامی از عهده آنها بر نیایند این کار را به مردم خواهد سپرد .

در پی این وقایع این شعارها از طرف دختران و پسران و سپس جمعیت موافق داده شد، " اخلال تو میتینگ ها کار حزبه، حزبه، چماق دار، چماق دار مرگت فرا رسیده، نصر من الله و فتح قریب مگر بر این حزبک مردم فریب، بنی صدر، بنی صدر افشا کن، بهشتی را رسوا کن ."

بنی صدر در قسمتی از سخنانش در حالی که چند برگه و کارت شناسایی را نشان می داد آنها را متعلق به چند تن از افراد کمیته و حزب جمهوری اسلامی خواند که آنان را به عنوان چماق دار دستگیر کرده‌اند.

پس از اعلام این مطلب بنی صدر با شعارهای " مرگ بر بهشتی سر دسته چماق داران بهشتی " مورد تشویق قرار گرفت ، سپس بنی صدر از مردم خواست که دور گروهی را شعار مخالف می دهند خالی کنند تا مشخص شوند که این کار عملی نشد.

در این هنگام از ضلع غربی و جلوی جایگاه گروهی در حالی که پا به زمین می کوبیدند این شعار را دادند " بنی صدر ، بنی صدر حکم تهاجم بده " پس از مدتی که این شعار را تکرار کردند بنی صدر گفت : " شما مردم اینها را با آرامش از اینجا بیرون کنید ، اینها را بیرون کنید ."

ناگهان آن دسته از پسرهایی که در کنار دیوار ضلع شرقی مستقر بودند از دیوار با کمک یکدیگر بالا رفتند و پس از چند لحظه افرادی که سر و صورت شان را ضربه های مشت شکافته و خونین کرده بود در حالی که به شدت با مشت و لگد بر سر و صورت و بدنشان می کوبیدند از دیوار به پایین پرتاب می کردند و افراد پلیس و افراد گارد ریاست جمهوری آنها را گرفته و به زیر جایگاه منتقل می کردند .

صحنه های فجیعی به وجود آمده بود ، افرادی که از زمین چمن بالا رفته بودند مرتب اشخاصی را که ریش و اورکت آبی به تن داشتند در حالی که با مشت به سر و صورتشان می کوبیدند و خطاب به آنها شعار مرگ بر چماق دار می دادند ! به پایین و به میان هواداران شان در زمین چمن پرتاب می کردند .

هواداران شان هم در زمین چمن با ولعی وصف ناشدنی به جان آنها می افتادند و تا آنجا که در توان داشتند با مشت و لگد آنان را زده و تحویل پلیس هایی که در جلو جایگاه بودند می دادند.

این صحنه ها مدتی ادامه یافت و مهاجمین در حالی که حالتی وحشیانه به خود گرفته بودند با شعارهایی که به وسیله دوستان شان داده می شد بیشتر تحریک می شدند و شعارهایشان عبارت بود از : " چماق دار ، چماق دار مرگ فرا رسیده ، مگر بر بهشتی ، ایران را گورستان چماق دار می کنیم ."

بنی صدر در ادامه سخنانش یک بار هم به صدا و سیمای جمهوری اسلامی حمله کرد که با کف و سوت برایش ابراز احساسات شد ، بنی صدر در رأس ساعت ۶ به سخنان خود پایان داد و شرکت کنندگان در حالی که شعارهایی علیه دکتر بهشتی می دادند دانشگاه را ترک گفتند.

